



نقد اقتصاد سیاسی نقد بتواریگی نقد ایدئولوژی

<https://naghd.com>

## برای آن که جنبش «زن، زندگی، آزادی» نمیرد! فراخوانی انترناسیونالیستی برای آزادی زندانیان سیاسی

جمعی از زندانیان سیاسی سابق و فعالین سیاسی در تبعید



مهر ۱۴۰۱

**توضیح نقد:** متن فراخوان زیر نوشته‌ی جمعی از زندانیان سیاسی سابق و فعالان سیاسی در تبعید است که هم‌زمان به زبان‌های گوناگون ترجمه و منتشر می‌شود. سایت نقد در همبستگی با این فعالان این فراخوان را منتشر می‌کند.

\*\*\*

بیش از سه هفته است که جهانیان تصویر متفاوتی از جغرافیای سیاسی ایران دریافت کرده‌اند که حاکی از فاعلیت سیاسی مردم ستمدیده است، نه نمایش‌های تکراری نخبگان رژیم دیکتاتوری. قتل ژینا (مهسا) امینی توسط پلیس (گشت ارشاد) جرقه‌ی برپایی خیزشی گسترده علیه زن‌ستیزی، ستم و بی‌عدالتی شد که در فراگیر شدن شعار «زن، زندگی، آزادی» تجلی یافت. این خیزش آزادی‌خواهانه و ضدستم خصوصاً به دلیل حضور دلاورانه‌ی زنان و محوریت مطالبات زنان توجهات جهانی زیادی را به خود جلب کرد و امیدهای زیادی را برانگیخت. اما اهمیت این دلاوری‌ها و شور مبارزه برای آزادی زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم این پیکار پرشکوه، اگرچه در تدارک چشم‌انداز انقلابی‌ست، درعین‌حال پیکاری تماماً نابرابر است: بین مردمی با دستان خالی و یک دیکتاتوری تمام‌عیار که طی چند دهه با پول نفت دستگاه سرکوب خود را مرتباً بسط داده است. ولی معترضان احتمال سرکوب‌های گسترده را آگاهانه به جان خریدند. رژیم اسلامی این بار هم مثل خیزش‌های قبلی از طریق تشدید سرکوب‌ها کوشید معترضان و مردم ناراضی را مرعوب سازد. یعنی هزینه‌ی اعتراضات را چنان بالا ببرد که تعداد هرچه کم‌تری قادر به ادامه‌ی مبارزه یا حاضر به پیوستن به اعتراضات خیابانی باشند. برای مثال، تنها در شهر زاهدان بیش از ۹۰ نفر در کم‌تر از یک ساعت در اثر شلیک مستقیم نیروهای پلیس کشته شدند. طبق برآوردهای نهادهای مستقل، تاکنون بیش از ۲۰۰ نفر کشته و هزاران نفر راهی زندان‌ها شده‌اند. اعتراضات و سرکوب خونین معترضان در خیابان‌ها در شرایطی ادامه می‌یابند که دسترسی به اینترنت در ایران عملاً قطع شده است.

هم‌زمان، دستگاه پروپاگاندای رژیم و دستگاه‌های قضایی و امنیتی‌اش، فرآیند سرکوب و ارباب را در حوزه‌ی دیگری هم پیش می‌برند: آن‌ها دستگیرشدگان را به ضدیت با امنیت ملی متهم می‌کنند و ادعا می‌کنند که شرکت‌کنندگان در این اعتراضات تحت نفوذ دشمنان خارجی ایران (دولت‌های مخالف یا سازمان‌های اپوزیسیون در تبعید) قرار داشته‌اند. این اتهامات همچنین متوجه فعالان صنفی-سندیکایی (کارگران، معلمان، دانشجویان) و فعالان جنبش‌های اجتماعی مختلف (شامل جنبش‌های زنان، اقلیت‌های ملی-اتنیکی، مذهبی و جنسی، و جنبش‌های زیست‌محیطی و حقوق مدنی) است که برخی از آن‌ها در ماه‌ها و هفته‌های پیش از شروع خیزش دستگیر شده‌اند و برخی دیگر، بدون حضور در خیابان، صرفاً به‌طور پیشگیرانه دستگیر شده‌اند. رژیم با سوءاستفاده از موقعیت متلاطم حاضر می‌کوشد با طرح اتهامات ساختگی، از جمله ارتباط فعالان زندانی با سازمان‌های جاسوسی خارجی، زندانیان سیاسی را هرچه بیشتر تحت فشار قرار دهد. هدف رژیم از این اقدامات آن است که با تحمیل مجازات‌های سنگین‌تر بر فعالان صنفی-سیاسی، که از تجربه‌ی کار سازمانی و سازماندهی برخوردارند، حضور و پیوند آن‌ها با تحولات پرتنش آتی

را ناممکن سازد؛ خصوصاً از آن رو که پاشنه‌ی آشیل دولت پیوند یافتن اعتراضات خیابانی با اعتصابات گسترده (تا اعتصاب عمومی) است.

همه می‌دانند که در نظام سیاسی ایران حتی حداقل‌های عدالت قضایی هم وجود ندارد؛ و این که اعدام یا مرگ مشکوک مخالفان سیاسی در زندان‌های ایران پدیده‌ی نادری نیست. جنایاتی که در زندان‌ها می‌گذرد ثبت نمی‌شود و تماشاگری ندارد؛ و مطابق معمول، زندانیان مجبور می‌شوند تحت شکنجه علیه خود اعتراف کنند، از جمله در برابر دوربین فیلم‌برداری نهادهای امنیتی. ما به‌عنوان جمعی از فعالان سیاسی تبعیدی و زندانیان سابق که بخشاً از کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۹۸۸ جان به در برده‌ایم، نسبت به وقوع یک فاجعه‌ی انسانی در زندان‌های ایران بسیار نگرانیم. چون بنا به تجارب و شواهد متعدد دولت ایران سرکوب وحشیانه‌ی اعتراضات خیابانی را در زندان‌ها امتداد و بسط می‌دهد. ما از همه‌ی وجدان‌های بیدار جهان می‌خواهیم که ضمن اعتراض فعال علیه سرکوب‌های خونین تظاهرکنندگان در خیابان‌ها، صدای زندانیان سیاسی ایران باشند. چون باور داریم که همبستگی واقعی با مبارزات مردم ستمدیده در گرو حمایت از جان و آزادی کسانی است که به‌دلیل این مبارزات گرفتار زندان‌ها و شکنجه و عذاب می‌شوند. ما مصرانه از همه‌ی فعالان مدنی و سازمان‌های سیاسی در سطح جهان می‌خواهیم، فراتر از پشتیبانی از این فراخوان و کارزار رسانه‌ای، به هر طریق که می‌توانند برای آزادی زندانیان سیاسی به رژیم ایران فشار بیاورند. از جمله با اطلاع‌رسانی فعال و مستمر؛ و برگزاری اکسیون‌های اعتراضی علیه سرکوب در مقابل کنسول‌گری‌ها و سفارت‌خانه‌های رژیم ایران. ما همچنین از همه‌ی سازمان‌ها و فعالان سیاسی و نهادهای حقوق بشری در همه‌ی کشورها می‌خواهیم که سیاست‌مداران محلی و ملی خود را تحت فشار قرار دهند تا علیه سرکوب وحشیانه، بازداشت، شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی در ایران واکنش موثری اتخاذ کنند.

بیاید با کنش متعهدانه‌ی فردی و جمعی خود، در زنده ماندن و شکوفایی شعار «زن، زندگی، آزادی» سهمی ایفا کنیم. چون این مبارزه و این شعار متعلق به همه‌ی کسانی است که جهانی آزاد و برابر می‌خواهند.

**زنده باد همبستگی انترناسیونالیستی!**

**جمعی از زندانیان سیاسی سابق و فعالین سیاسی در تبعید**

\* لینک متن فراخوان به زبان انگلیسی:

<https://www.versobooks.com/blogs/5459-so-that-the-woman-life-freedom-movement-does-not-die-a-call-for-solidarity-with-the-political-prisoners-of-the-iranian-regime>